

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی آذر و دی ۱۳۸۸
 زیر نظر: حسن قریبی / ویرایش و معرفی کتاب: مرتضی قاسمی
 نشانی: بزرگراه حقانی، بعد از ایستگاه مترو میرداماد، مجموعه
 فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی
 تلفن: ۸۸۶۴۲۵۳۲ دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۱۲
 وبگاه: www.persianacademy.ir



دکتر محمد دبیرمقدم، معاون علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی



به موجب حکمی از سوی دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر محمد دبیرمقدم، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به سمت معاونت علمی فرهنگستان منصوب شد.
 متن حکم صادر شده بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
 جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم عضو محترم پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی
 با احترام،
 نظر به دانش و تجربه مدیریتی ارزشمند آن استاد محترم، به موجب این حکم به سمت معاونت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منصوب می شوید. توفیق جناب عالی را در پیشبرد امور علمی فرهنگستان از خداوند متعال مسئلت می کنم.

غلامعلی حداد عادل

از ترجمه عربی دانشنامه جهان اسلام در لبنان، بررسی آیین نامه بنیاد سعدی و ارائه پیشنهاد های اعضای شورای فرهنگستان با تأکید بر توسعه اطلاع رسانی در فرهنگستان، همکاری با صدا و سیما در چارچوب های مشخص، پاسخ به بنیاد نخبگان در خصوص تدوین ضوابط برای انتخاب شاعر و نویسنده برتر، پیشنهاد دعوت از گروه های آموزشی زبان فارسی،



زبان های باستانی و زبان شناسی و دانشجویان دوره دکتری این رشته ها جهت برقراری ارتباط با فرهنگستان، و پیشنهاد تخصیص چند صفحه از خبرنامه به فعالیت های ادبی دانشجویی و دانش آموزی، از جمله مباحث طرح شده در این نشست بود.

دوشنبه، بیست و هشتم دی ماه، سیصد و شصت و چهارمین نشست شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به ریاست دکتر غلامعلی حداد عادل و با حضور اکثریت اعضا، در محل کتابخانه فرهنگستان برگزار شد.

اعلام انتخاب آقای دکتر محمد دبیرمقدم، به عنوان معاون علمی فرهنگستان و خیر مقدم به گروه دانشجویان دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد از سوی دکتر حداد عادل، و یادکردی از شادروان دکتر خسرو فرشیورد، استاد فقید دانشگاه تهران، از مباحث پیش از دستور بود.

گزارش سرکار خانم دکتر ناهید بنی اقبال، رئیس کتابخانه فرهنگستان، از فعالیت های انجام شده، دستور جلسه این نشست بود. در این گزارش وی ضمن ارائه آمار به روز شده کتاب ها، نشریات و مجموعه های اهدایی موجود، تجهیز کتابخانه به سامانه جست و جوی موضوعی و سایر امکانات خدمات رسانی به پژوهشگران، نیازهای ضروری کتابخانه را نیز برشمردند.

شیرین عاصمی - مؤگان گلگه داری

دوشنبه، نهم آذرماه، سیصد و شصت و یکمین نشست شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به ریاست دکتر غلامعلی حداد عادل و با حضور اعضای پیوسته و با شرکت اعضای هیئت علمی و پژوهشگران فرهنگستان، در تالار دکتر شهیدی برگزار شد.

در آغاز دکتر حداد عادل، حضور دکتر محمدجان شکوری، عضو پیوسته تاجیکی فرهنگستان را در شورا خیر مقدم گفت و برای ایشان آرزوی تندرستی کرد.

سخنرانی دکتر محمود عابدی، عضو پیوسته شورای فرهنگستان، در موضوع «کاغذین جامه یا جامه کاغذین، از آیین تا کلمه»، دستور جلسه این نشست بود.

دوشنبه، سی ام آذرماه، سیصد و شصت و دومین نشست شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به ریاست دکتر غلامعلی حداد عادل و با حضور اکثریت اعضا و با شرکت اعضای هیئت علمی و پژوهشگران فرهنگستان، در تالار دکتر شهیدی برگزار شد.

دستور جلسه این نشست که با حضور آقایان میرزا ملامحمد، معاون محترم فرهنگستان علوم تاجیکستان، علی اصغر علمی، مدیر محترم انتشارات سخن و دکتر محمد سلیم مظهر، رئیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب، برگزار شد، استماع خطابه و رودی دکتر محمدجعفر یاققی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

در آغاز دکتر حداد عادل، ضمن تشکر از زحمات و تلاش های آقای علی اصغر علمی، مدیر محترم انتشارات سخن، حضور ایشان را در جلسه فرهنگستان مغتنم شمرد و اظهار داشت: همه می دانیم که خانواده علمی ده ها سال است که از طریق نشر کتاب به دانش و فرهنگ ایران خدمت کرده اند. شصت سال پیش که نسل ما وارد دبستان شد کتاب ها در مؤسسه علمی چاپ می شد و ما خوشحالیم که این جویبار جاری ادامه پیدا کرده و به یک رودخانه زلال تبدیل شده است. انتشارات سخن نیز ادامه همان تجربه ارزشمند میراث گران بهاست که در اختیار نسل بعدی قرار گرفته و آقای علمی راه نیاکان خدمتگزار خود را ادامه می دهد.

دکتر غلامعلی حداد عادل در ادامه افزود: اعضای فرهنگستان همواره بهره مند آثاری بوده اند که در انتشارات سخن به چاپ می رسد و مخصوصاً طبع فرهنگ سخن و ملحقات بعدی آن که توسط استاد محترم، دکتر انوری، عضو پیوسته فرهنگستان، تألیف شده، مایه افتخار و دستاورد ارزشمندی برای تمام فارسی زبانان و اهل ادب است.

رئیس فرهنگستان، در پایان، به پاس تقدیر از تلاش های آقای علمی، لوح تقدیری را که به امضای اعضای پیوسته فرهنگستان رسیده بود، به همراه یک دوره از انتشارات فرهنگستان، به ایشان اهدا کرد.

در ادامه نشست، دکتر محمدجعفر یاققی، در موضوع «تاریخ بیهقی، چرا تصحیح دوباره؟» سخنرانی کرد.

دوشنبه، چهاردهم دی ماه، سیصد و شصت و سومین نشست شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به ریاست دکتر غلامعلی حداد عادل و با حضور اکثریت اعضا، در تالار دکتر شهیدی برگزار شد.

گزارش دکتر حداد عادل از سفر به اندونزی، سوریه و لبنان و فعالیت های فرهنگی انجام شده در این سفرها، به خصوص رونمایی



کاغذین جامه یا جامه کاغذین، از آیین تا کلمه

سخنرانی دکتر محمود عابدی

خطابه ورودی دکتر محمود عابدی، عضو پیوسته شورای فرهنگستان، در موضوع «کاغذین جامه یا جامه کاغذین، از آیین تا کلمه»، دستور سیصدوشصت و یکمین نشست شورای فرهنگستان بود که در روز دوشنبه، نهم آذرماه، در حضور اعضای محترم شورا و با شرکت اعضای هیئت علمی و پژوهشگران فرهنگستان برگزار شد.

دکتر عابدی در مقدمه سخنرانی خود درباره سنت‌هایی که در جوامع پدید می‌آیند و دائماً در حال تغییر و تحول‌اند، توضیحاتی داد و اضافه کرد که بعضی از این سنت‌ها کم‌کم از حالت آیینی واقعی وارد حوزه زبان و ادبیات می‌شوند و نقش و کارکرد تازه‌ای را می‌پذیرند.

دکتر عابدی گفت: اولین نمونه از انعکاس آیین جامه کاغذین پوشیدن در شعر فارسی مربوط می‌شود به عثمان مختاری که بدین‌گونه آن را در شعر خود به کار برده است:

شاه چو فلک روی به دوران تو کرد
بستد به ستم زر از چمن باد خزان
از باد خزان داد گلستان بستان
چون جامه کاغذی ببوشید جهان

دکتر عابدی در ادامه با ارائه شواهد دیگری از پوشیدن جامه کاغذین یادآور شد که غالباً این ترکیب و تعبیر را کنایت از **تظلم و دادخواهی** گرفته‌اند، و آن‌گاه با طرح چند پرسش گفت: اما آیا به‌راستی از این ابیات، نوشته بودن چیزی به‌روی جامه، یا **تظلم و دادخواهی** دریافته می‌شود؟ به‌علاوه، برای خوانندگان در اینجا پرسش‌هایی مطرح می‌شود که آیا پوشیدن جامه کاغذین در گذشته واقعیت داشته‌است؟ و اگر چنین بوده، این کار در آثار مکتوب گذشته ما تا چه اندازه‌ای انعکاس یافته و آنچه انعکاس یافته‌است آیا در معنی حقیقی آن است؟ یا به‌تدریج هسته‌ای از مجموعه تعبیر گوناگون را پدید آورده و شاعران در کاربردهای متفاوت، معانی کنایی متفاوتی را از آن اراده کرده‌اند؟ از این‌ها گذشته، آیا می‌توان پوشیدن چنین جامه‌ای را در ادوار تاریخی عملی نمادین دانست؟ و سرانجام می‌توان تصور کرد که پوشنده جامه کاغذین مقصود خود را، هر چند به رمز و اشاره، بر آن می‌نوشته‌است؟

دکتر عابدی در توضیح مطلب گفت: کهن‌ترین جایی که این آیین در آنجا مطرح شده، منظومه‌ای است به نام **علی‌نامه**، در موضوع حماسه‌های شیعی و ظاهراً از قرن پنجم. بخشی که این آیین در آنجا آمده‌است مربوط است به اسارت شخصیتی به نام **سرافه** که از هواداران و یاران حضرت علی^(ع) بوده‌است. در آنجا روایتگر داستان می‌گوید که نماینده معاویه

بفرمود تا جامه کاغذین بدوزند آن دشمن داد و دین بکردند همیدون ز کاغذ کلاه سیه همچو قطران، آن دل سیاه در آن پاک‌دین مرد روشن‌روان بپوشاندش آن جامه را، بدنشان نهاد آن کله لعنتی بر سرش فروداشت در پیش آن لشکرش بیستش آبر اشتری زآن سپس به گردنش بریست، ملعون، جرس

و بنا بر این ابیات می‌توان احتمال داد که **جامه کاغذین** بر کسی پوشاندن، مانند کلاه کاغذ سیاه بر سر او گذاشتن، زنگ بر گردن او آویختن و او را بر شتر بستن، از کارهایی بوده‌است که در صدر اسلام، یعنی در قرن اول، مرسوم بوده‌است، اما نمونه‌های دیگری که بعد از این عرض خواهم کرد، چیزهای دیگری را نشان می‌دهد. از شعر بعضی از شاعران برمی‌آید که گویی در مسابقه و مشق تیراندازی، به فرض آدمکی را با پوشش جامه کاغذین در جایی به‌عنوان هدف قرار می‌دادند و به‌طرف آن تیر می‌انداختند. جمال‌الدین عبدالرزاق می‌گوید:

بس که در من کشد این چرخ کمان
کاغذین جامه از او چون هدفم
و خاقانی گفته‌است:

حاسدانم چون هدف بین کاغذین جامه که من
تیر شهنه از پی امن شبان آورده‌ام
این کاغذین جامه بودن هدف و ملازمت عینی و عملی آن با تیراندازی، که در میان گروه‌های خاصی از مردم (تیراندازان و پادشاهان و اطرافیان آن‌ها)، رواج داشته، به‌مرور در ذهن‌ها و زبان‌ها، آن قدرت تداعی را پیدا کرده که در غیبت عناصر دیگر، یعنی هدف و تیراندازی، آن‌ها را به یاد آورند و به‌این ترتیب، هم در مجموعه رفتارهای مردم، کار پوشیدن جامه کاغذین صورت نمادین به خود گرفت و وقتی کسی چنین جامه‌ای می‌پوشید به نوعی خود را آماده پذیرش هر نوع بلائی معرفی می‌کرد و هم در حوزه زبان گفتار مجموعه تعبیری پدید آمد که غالباً در کتاب‌های لغت نیآورده‌اند، از جمله: با جامه کاغذین سوی کسی رفتن، پیراهن از کاغذ پوشیدن، پیراهن کاغذین کردن، جامه کاغذین پوشیدن، جامه کاغذین کردن، کاغذین پیراهن، کاغذین جامه، کاغذین جامه بودن، کاغذین جامه به خونابه شستن، کاغذین جامه پوشیدن و کاغذین جامه دیدن.

خاقانی کاغذین جامه را در بیتی دیگر و در کنار همان هدف و تیر، اما با معنای دیگر به کار برده‌است:

کاغذین جامه هدف‌وار علی‌الله زینم
تا به تیر سحری دست قدر بر بندیم
... سیر مطالعه ما به آنجا رسید که به عرض شواهدی برسیم که کاغذین جامه را می‌پوشیدند. جمال‌الدین عبدالرزاق در بیتی گفته‌است:

آخر از بهر خدا چند کنم بر در او
هر سحرگاه چو مظلوم ز کاغذ سربال
رابطه جامه (= سربال) کاغذین با دادخواهی از این بیت جمال‌الدین عبدالرزاق پیدا‌است. کمال اسماعیل، فرزند هنرمند و هنرور او، به‌گونه دیگر این معنی را در شعر خود به کار برده‌است:

بشد ریخته‌بار بی‌برگ از اینجا
ز بیداد باد ستمگر شکوفه
کنون کاغذین جامه پوشید و آمد
به درگاه صدر مظفر شکوفه
اشاره بدر چاچی، متوفای حدود ۷۴۵، نشان می‌دهد آن‌هایی که جامه کاغذین می‌پوشیدند به میدان شهر می‌رفتند و احیاناً آنجا با فریاد و فغان دادخواهی می‌کردند.

نیست از عدل سر تیغ تو جز خط و شکر
کاغذین جامه کسی بر سر بازار جهان
و سال‌ها بعد وحشی بافقی (سده ۱۰)، در یکی از منظومه‌های خود به نام **خلد برین**، چنین می‌گوید:

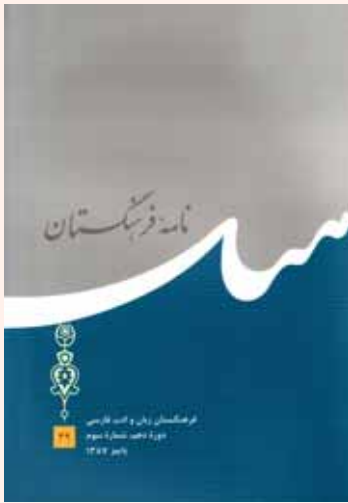
بهر بیان کردن احوال من
گشته مجسم صفت حال من
جامه او ساخته‌ام کاغذین
دادزنان راست لباس این چنین
کرده از آن روش سراپا سیاه
تا طلبد داد من از پادشاه
دکتر عابدی در توضیح رابطه **کاغذین جامه و علم داد گفت**: در کتاب **سیر الملوک**، منسوب به خواجه نظام‌الملک، آمده‌است: چنان خواندم در کتب پیشینان که بیشتر از ملوک عجم دکان بلند بساختندی و بر پشت اسب بر آنجا بایستادندی تا متظلمان که در آن صحرا گرد شده بودند، همه را بدیدندی و داد هریک را بدادندی.

در همان کتاب داستان زنجیر عدل انوشیروان آمده و هم گزارش حضور امیر اسماعیل سامانی (متوفای ۲۹۵) در روزهای سرد و برفی در میدان شهر برای رسیدگی به داد متظلمان. از طرف دیگر از ایام خلافت حضرت علی^(ع) گفته‌اند که آن حضرت اتاقتی مخصوص ترتیب داده بود که شکایان، شکایت خودشان را در آنجا می‌انداختند. با این پیشینه ممکن است تصور کنیم که یکی از پادشاهان ایرانی علمی در میدان شهر برپا کند و دادخواهان با پوشیدن جامه کاغذین بر پای آن بنشینند، جامه‌ای که آیتی از قرآن کریم یا قصه و شکایت خود را بر روی آن نوشته‌باشند.

اما نخستین کسی که در شعر فارسی در شعر خود از **علم داد سخن** گفته او جدی مراغه‌ای است.

اگر امشب سر آن زلف به من دادی نیک
ورنه فردا من و پای علم و قضا داد
دکتر عابدی، پس از این به دادخواهی با پیراهن خونین اشاره کرد و با شواهدی از نظامی، کمال اسماعیل اصفهانی و امیرخسرو دهلوی، بیت معروف خواجه را یادآور شد که می‌گوید:

کاغذین جامه به خوناب بشویم که فلک
رهنمونیم به پای علم داد نکرد
و با اشاره به معنی گوناگونی که از این بیت برمی‌آید، افزود: باید بگویم که بعضی از آثار قرون هفتم و هشتم، حکایت جامه کاغذین دادخواهی را به مصر و جامعه قرن ۶ و ۷ مصریان نسبت می‌دهند، اما هر چند کتاب‌های لغت، **قرطاس** را نوعی **بُرد و ادیم** (چرم) مصری نوشته‌اند و بنابراین می‌توان پوشیدن جامه قرطاسی را در آن دیار ممکن تصور کرد، به نظر می‌رسد تا به دست آمدن دلایل دیگر، بایستی عنصر جامه کاغذین به علامت دادخواهی را از تأثیر فرهنگ ایرانی دانست.



نامه فرهنگستان - شماره ۳۹

سی‌ونهمین شماره نامه فرهنگستان منتشر شد. این شماره از نامه فرهنگستان، همانند شماره‌های پیشین، شامل بخش‌های گوناگون، از جمله سرمقاله، مقاله، نقد و بررسی، تحقیقات ایران‌شناسی، گلچینی از دیرینه‌ها، فرهنگستان، تازه‌های نشر، اخبار و نامه‌هاست.

در بخش مقاله این شماره عناوین زیر دیده می‌شود: «ویژگی‌های نگرش خیّامی (با رویکردی به شعر خیّام و ابوالعلا)»، **سید مهدی زرقانی**؛ «سرچشمه نظریه‌های ترجمه (بررسی موردی نظریه‌های گوته و شلایرماخر)»، **علی خزاعی فر**، **مازیار فریدی**؛ «عناصر هنری در دو نمونه از غزل‌های سعدی»، **کاووس حسن‌لی**؛ «گناه بخت من است این گناه دریا نیست (بررسی قطعه‌ای منسوب به فردوسی)»، **جواد بشّری**؛ «خروج یا بروج؟»، **فرزاد ضیائی حبیب‌آبادی**؛ «هزارویک شب در اروپا (بررسی و تحقیق درباره مترجمان، مفاهیم اجتماعی و تأثیرات آن)»، **طهمورث ساجدی**؛ «تحلیل روش شناختی دیدگاه‌ها و آراء ویلیام جینتیک درباره تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی»، **مهدی محتبی**؛ «موی بر میان بستن (آیین ویژه سوگواری در شاهنامه و متون ایرانی)»، **سجاد آیدنلو**.

در بخش «نقد و بررسی» این شماره از نامه فرهنگستان چهار مقاله با این عناوین دیده می‌شود: «رودیگر اشمیت، کتیبه‌های فارسی باستان هخامنشی، ۲۰۰۹»، **بدرالزمان قریب**؛ «تأملی در نگاهی به شعر نیما یوشیج»، **سعید رضوانی**؛ «یادداشت‌هایی بر تاریخ هرات»، **اکبر نحوی**؛ «بررسی فهرست پایان‌نامه‌ها، زهرا استاذزاده».

در بخش «تحقیقات ایران‌شناسی» مقاله‌ای با عنوان «مرگ و آیین‌های مربوط به آن در ایران باستان» به قلم نادیا معقولی و محمود طاووسی درج شده‌است. همچنین در بخش «گلچینی از دیرینه‌ها» دو مطلب با عنوان «داعی‌الاسلام» نوشته ثریا پناهی و «خط لاتین برای فارسی (خطابه آقا سید محمدعلی پروفیسور نظام کالج)» آمده‌است. در بخش «فرهنگستان» این شماره نیز مقاله «گردبرداری در واژه‌سازی» نوشته علاءالدین طباطبائی به چشم می‌خورد.

سرمقاله این شماره از نامه فرهنگستان، با عنوان «ضرورت برنامه‌ریزی در حوزه تحقیقات زبانی و ادبی» و به قلم استاد احمد سمیعی (گیلانی) است.



سرگذشت تقسیمات کشوری ایران (کتاب اول از ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۵ ش)

دکتر حسن حبیبی

تحولات اجتماعی و اقتصادی در هر جامعه بر پایه مطالعه زیربنایی، از جمله آمایش سرزمین است و این آمایش بدون شناخت شهرها، ایالات و نواحی گوناگون مقدور نخواهد بود. از دیرباز برای اداره سرزمین پهناوری چون ایران، با گستردگی و تنوع اقلیمی و فرهنگی و پیشینه تمدنی چند هزارساله، شناخت اقامتگاه‌ها و کانون‌های اجتماعی و تقسیم‌بندی نواحی، به شیوه‌های مختلف مورد توجه بوده‌است و هرچه روابط اجتماعی بیشتر و پیچیده‌تر و جوامع روستایی و شهری متحول‌تر شده‌اند، نیاز به مطالعه مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و چگونگی روابط انسانی، در جوامع کوچک و بزرگ بیشتر شده‌است. بدون شک، شناخت شهرها، بخش‌ها و روستاهای کشور و همچنین تقسیمات درونی آن‌ها (تقسیمات کشوری)، مقدمه واجب و پیش‌نیاز این مطالعات و برنامه‌ریزی و مدیریت آگاهانه در کشور بوده و هست. بدین سبب، طرح پژوهشی «سازمان‌های اداری و تقسیمات کشوری» در بنیاد ایران‌شناسی، توسط دکتر حسن حبیبی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، طراحی شد و زیر نظر وی به اجرا درآمد.

دامنه موضوع طرح مذکور درازنای تاریخ ایران پیش از اسلام را تا عصر حاضر دربرمی‌گیرد. برای بررسی دقیق‌تر طرح لازم بود تا دوره‌های صد و یا دوست‌ساله مورد بررسی قرار گیرد؛ به همین جهت، اولین مجموعه از این طرح به تقسیمات کشوری در یکصد سال اخیر (از ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۵ ش) اختصاص یافت؛ برهه‌ای که در آن سه قانون مهم در این حوزه، یعنی قوانین سال‌های ۱۲۸۶، ۱۳۱۶ و ۱۳۶۲ ش تحولات جدیدی را در تقسیمات کشوری ایران به وجود آورده‌است.

برای شکل‌گیری این اثر، با در نظر گرفتن ریشه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، ادبی و بین‌رشته‌ای بودن آن، از مطالعات و تخصص محققان گوناگون استفاده شده‌است. این اثر جلد اول از مجموعه اسناد و مدارک سازمان‌های اداری و تقسیمات کشوری ایران است. در این جلد، علاوه بر مقدمه و بخش تمهید، اسنادهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و اصفهان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌است.

جلد نخست کتاب سرگذشت تقسیمات کشوری ایران (کتاب اول از ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۵ ش)، تألیف سرکار خانم فاطمه فریدی مجید، با همکاری خانم‌ها فاطمه دفتری و نجمه ملک‌پور، و با مقدمه، تمهید و بررسی نهایی دکتر حسن حبیبی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که در ۴۷۱ صفحه ازسوی بنیاد ایران‌شناسی منتشر شده‌است.

تاریخ بیهقی، چرا تصحیح دوباره؟

سخنرانی دکتر محمدجعفر یاحقی



خطابه ورودی دکتر محمدجعفر یاحقی، عضو پیوسته شورای فرهنگستان، در موضوع «تاریخ بیهقی، چرا تصحیح دوباره؟»، دستور سید و شصت و دومین نشست شورای فرهنگستان بود که در روز دوشنبه، سی‌ام آذرماه، در حضور اعضای محترم شورا و با شرکت اعضای هیئت علمی و پژوهشگران فرهنگستان برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر محمدجعفر یاحقی با یادآوری این نکته که تاریخ بیهقی در نثر، تالی شاهنامه در نظم است، وارد بحث تصحیح متون فارسی شد و باز تصحیح تاریخ بیهقی را، با توجه به کاستی‌هایی که چاپ‌های موجود دارند، امری ضروری و راهگشا توصیف کرد.

وی با اشاره به چاپ‌های اولیه تاریخ بیهقی، یعنی چاپ مورلی (۱۸۶۲) و چاپ ادیب پیشاوری (۱۳۰۷ قمری) در تهران، اظهار داشت: مرحوم نفیسی که سومین چاپ بیهقی را منتشر کرد نسخه مصحح خود را با استفاده از دو سه نسخه خطی و دو نسخه چاپی قبلی منتشر کرد و هنوز هم برخی کوشش‌هایی که مرحوم نفیسی در این راه انجام داده برای ما معتبر و مغتنم است.

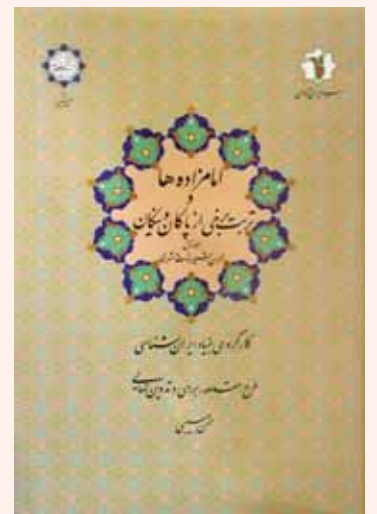
دکتر یاحقی در ادامه با اشاره به چاپ‌های فیاض در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۵۰، و تصحیح مجدد تاریخ بیهقی توسط ایشان و آقای سیدی، بدین نکته اشاره کرد که این کار را از سال ۱۳۸۳ آغاز کرده‌اند و در طی این سال‌ها بر روی نوزده نسخه خطی و پنج نسخه چاپی کار کرده‌اند. وی در ادامه اظهار داشت این کتاب تا پایان سال جاری روانه بازار خواهد شد.

دکتر یاحقی در ادامه سخنان خود یادآور شد: اگر مبنای تصحیح یک متن را مقایسه نسخه‌های خطی و به دست دادن صورتی نزدیک به آنچه مؤلف به حتم آورده‌است بدانیم، باید بگوییم از تاریخ بیهقی تا کنون چهار و یا به عبارت بهتر، پنج تصحیح مستقل و مختلف در دست است. تردیدها میان چهار و پنج به این اعتبار است که تصحیح غنی - فیاض را چاپی را که سال‌ها بعد از مرگ دکتر غنی، فیاض به تنهایی با استفاده از نسخه‌های بیشتر، از تاریخ بیهقی به دست داد، دو تصحیح به شمار آوریم و یا هر دو را در ادامه هم ببینیم. به اعتبار اینکه هم نسخه‌های فیاض متفاوت بوده و هم سان و سیرت و حتی ناشر آن به کلی عوض شده‌است، حق این است که تصحیح دوم فیاض را کاری مستقل و در نتیجه تعداد چاپ‌های بیهقی را با اطمینان پنج تا بدانیم. بدیهی است چاپ‌ها و گزیده‌های فراوانی که بعدها از روی این چاپ‌ها به دست داده شده، هر چند عنوان چاپ و تصحیح مستقل را هم یدک بکشند، از نظر ما تصحیح محسوب نمی‌شوند.

دکتر یاحقی سپس به‌اجمال به هریک از چاپ‌های پیشین، از جمله چاپ حرفی کلکته، چاپ سنگی تهران (ادیب پیشاوری)، چاپ سعید نفیسی، چاپ غنی - فیاض و چاپ دانشگاه فردوسی مشهد اشاره کرد و افزود با علائمی که استاد فیاض برای نسخه‌های خطی تصحیح خود در حواشی چاپ دانشگاه به دست داده، بر روی هم از دوازده نسخه استفاده کرده‌است. وی در ادامه اضافه کرد از سال ۸۳ با همکاری مهدی سیدی، تا امروز دوازده نسخه دیگر از کتابخانه‌های مختلف به دست آورده‌ایم و چند نسخه دیگر را هم شناسایی کرده‌ایم و اینک با در دست داشتن نوزده نسخه خطی از تاریخ بیهقی و پنج چاپ پیشین، تصحیح تازه‌ای از این کتاب گران‌قدر به دست داده‌ایم.

دکتر یاحقی با مرور بر نسخه‌های موجود از نگاه تاریخ و زمان کتابت اظهار داشت: تحریف‌ها و تصرفات زیادی که در نسخه‌های تاریخ بیهقی صورت گرفته و همچنین دسترسی به نسخه‌های کهن و مضبوط و بدور از تصرفات کاتبان، کار تصحیح تاریخ بیهقی را برای مصحح دشوار می‌کند؛ دشواری‌ای که برای مصححان پیشین کتاب، به دلیل عدم دستیابی به همین تعداد دست‌نویسی که در اختیار ماست، به مراتب بیشتر بوده‌است. بدون تردید اگر امکانات پژوهشی نوین در اختیار مصححان پیشین، مخصوصاً استاد فیاض می‌بود، و عمر او هم کفاف می‌داد، تردیدی نداریم که نیازی به دوباره‌کاری ما نبود.

وی در پایان با اشاره به یافتن تعدادی لغت تازه، و ضبط‌های تازه، اظهار داشت: اگر اکنون ما در چاپ جدید خود به دستاوردهای تازه‌ای از رهگذر بدخوانی‌ها یا حذف و سقطات موارد مشکوک و ناخوانا در نسخه‌های مورد استفاده مصححان پیشین برسیم و تعدادی لغت تازه به گنجینه لغت فارسی بیفزاییم، با دست‌کم با اصلاح و تذکار بدخوانی‌های چاپ‌های پیشین برخی معانی و ضبط‌های غلط را که از رهگذر شواهد تاریخ بیهقی به زبان فارسی راه یافته‌است از دامن آن بپیراییم، گمان نمی‌کنید چاپ جدید تاریخ بیهقی شایستگی آن را داشته‌باشد که دوباره و از منظری نو در کانون توجه قرار گیرد؟



امامزاده‌ها و تربت برخی از پاکان و نیکان برگزیده جایزه کتاب فصل

دکتر حسن حبیبی

کتاب امامزاده‌ها و تربت برخی از پاکان و نیکان، محصول پژوهش گروهی از محققان بنیاد ایران‌شناسی است که طرح، مقدمه، بررسی و تدوین نهایی آن به عهده دکتر حسن حبیبی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس بنیاد ایران‌شناسی بوده‌است. این کتاب در دهمین دوره جایزه کتاب فصل، در بخش کلیات اسلام در حوزه دین، به‌عنوان کتاب برتر برگزیده شد. کتاب حاضر، بخشی قابل توجه از طرحی است که در باب بررسی مراکز آیینی کشور تهیه شده و حاصل دو مرحله کار میدانی و جمع‌بندی نتایج پژوهش‌هاست. در مرحله اول گروهی از جست‌وجوگران درس‌خوانده در رشته‌های مختلف علوم انسانی، که تحصیلات دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد آن‌ها با مسائل تاریخی و اجتماعی و معماری و آداب و رسوم و غیره مرتبط بوده، کار بررسی و پژوهش درخصوص حدود امامزاده‌ها و بقعه‌های واقع در تهران و شهر ری و شمیران را وجهه همت قرار داده‌اند. مرحله دوم مرحله بازبینی و تدوین نهایی بوده‌است.

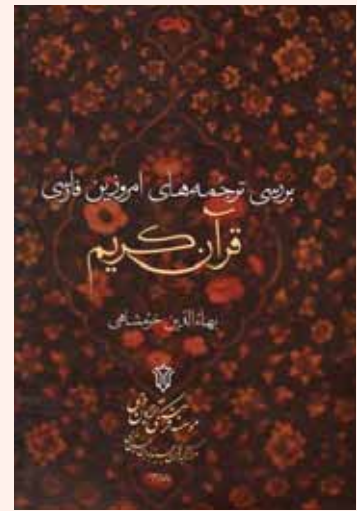
در دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۸) از مجموع آثار منتشرشده ۳۷۲۲ عنوان مورد ارزیابی قرار گرفت. از میان آثار برگزیده، ۷ اثر تألیفی و ۲ اثر ترجمه و از میان آثار شایسته تقدیر، ۱۶ اثر تألیفی و ۱۷ اثر ترجمه و ۳ اثر تصحیح‌اند.

شورای فرهنگستان، میزبان گروه دوره دکتری دانشگاه فردوسی مشهد در کتابخانه مرکزی فرهنگستان



دوشنبه و سه‌شنبه، بیست‌هشتم و بیست‌ونهم دی‌ماه، فرهنگستان زبان و ادب فارسی میزبان جمعی از اساتادان و دانشجویان دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد بود. این دیدار به پیشنهاد دکتر محمدجعفر یاحقی، عضو محترم پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و به منظور آشنایی و برقراری ارتباط علمی محیط‌های دانشگاهی کشور با فعالیت‌های فرهنگستان انجام شد.

شرکت در شورای فرهنگستان، دیدار از گروه‌های پژوهشی، کتابخانه، دیدار با اعضای پیوسته و طرح برخی از مسائل، فهرست برنامه‌های این دیدار بود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی با هدف بهره‌گیری از توان علمی و ظرفیت‌ها و نیروهای متخصص در دانشگاه‌های زبان و ادبیات کشور، میزبان این مراسم بود.



بررسی ترجمه‌های امروزیین فارسی قرآن کریم

بهاء‌الدین خرمشاهی

مجموعه حاضر، معرفی و نقد ۳۹ ترجمه فارسی قرآن کریم را، از ترجمه شاه ولی‌الله دهلوی تا ترجمه دکتر غلامعلی حداد عادل، دربردارد. همه ترجمه‌ها ذیل شش زیرفصل معرفی و بررسی انتقادی شده‌اند، از این قرار:

۱. درباره ترجمه؛
۲. درباره ترجمه (با بیان نظرگاه‌های هر مترجم)؛
۳. چاپ‌ها و ویرایش‌ها؛
۴. نقدها و بررسی‌ها/ نقد و نظرها؛
۵. سخن آخر [درباره بعضی ترجمه‌ها آمده است]؛
۶. نمونه ترجمه [که در آن از هر یک از ترجمه‌ها، ترجمه دو آیه قرآن آمده است: آیه الکرسی؛ بقره، ۲۵۵ تا ۲۵۷؛ و آیه نور؛ سوره نور، ۱۳۵].

برای این کتاب، چون ترجمه‌های امروزیین مورد نظر بوده، زمانی حدوداً صدساله در نظر گرفته شده است. اختصاص این دوره، از آن جهت بوده که دوران هزارساله ترجمه تحت‌اللفظی به سر آمده و در یک تحول تاریخی فرخنده، به تدریج شیوه و ساختار ترجمه‌ها همانند ترجمه‌های امروز - و طبعاً غیرتحت‌اللفظی - شده است. این دوره صدساله، به علت همین تحول و تکامل، و نه دلیل دیگری انتخاب شده است.

در انتخاب ترجمه، هم اصل پیش گفته مد نظر بوده است و هم چند معیار سلیبی، و آن اینکه ترجمه‌های تحت‌اللفظی، ترجمه‌های منظوم، ترجمه‌های ناقص، ترجمه‌هایی که در دل تفاسیر هستند کنار گذاشته شده‌اند. فقط یک ترجمه تحت‌اللفظی خوب، به قلم شاه ولی‌الله دهلوی (متعلق به قرن هجدهم میلادی) از اهل سنت، و دیگر ترجمه مرحوم محمدکاظم معزی، از مترجمان شیعه معاصر، به عنوان نمونه از نوعی که پس از یک هزاره منسوخ گردیده، افزوده شده است.

کتاب بررسی ترجمه‌های امروزیین فارسی قرآن کریم، نوشته استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که در ۴۹۳ صفحه و با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، از سوی مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی منتشر شده است.

بررسی تاریخ ادبیات فرانسه، اثر گوستاو لانسون

دوره ۱۸۵۰-۱۹۵۰ افزوده پل توفرو

آرزو رسولی



مشخصات کتاب‌شناختی اثر

تاریخ ادبیات فرانسه (*Histoire de La Littérature Française*)، اثر گوستاو لانسون (Gustave Lanson) اولین بار در ۱۸۹۴ منتشر شد. این کتاب را انتشارات آنت (Librairie Hachette) در یک جلد، به سال ۱۹۶۰ منتشر کرده است و حاوی بخش‌های است افزوده پل توفرو (Paul Tuffrau) شامل دوره زمانی ۱۸۵۰-۱۹۵۰.

معرفی نویسنده

گوستاو لانسون در پنجم اوت ۱۸۵۷ در اورلئان به دنیا آمد و در پانزدهم دسامبر ۱۹۳۴ در پاریس درگذشت. تاریخ ادبیات و نقد ادبی فرانسه اثر عظیم گوستاو لانسون است که در آن آثار ادبی را از نظر تاریخی و به صورت بی‌طرفانه بررسی کرده است. لانسون در آغاز قرن بیستم اصلاحاتی در نظام آموزشی دانشگاه‌های فرانسه پدید آورد و تأثیر زیادی بر نقد ادبی فرانسه تا اواسط قرن بیستم به جا گذاشت؛ تأثیری که تا پس از مرگش باقی ماند. او به تأثیرات اجتماعی نیز بر جریان‌های ادبی توجه داشت. او را از پیش گامان نقد جامعه‌شناختی نیز دانسته‌اند.

لانسون، علاوه بر کتاب فوق‌الذکر، پژوهش‌هایی درباره بوسوئه، کورنی یا ولتر انجام داده و کوشیده است آن‌ها را هم از نظر زندگی شخصی شان و هم در بافت تاریخی زمانشان بنماید. غالباً او را بنیان‌گذار رشته تاریخ ادبیات به‌عنوان یک رشته دانشگاهی می‌دانند. او به‌همراه پل توفرو تاریخ ادبیات مصور فرانسه را منتشر کرد (۱۹۲۹). تأثیر او در قرن بیستم رفته‌رفته کم‌رنگ شد: نقد جدید انگلوساکسونی و نقد جدیدی که رولان بارت مطرح کرد، جای نقد او را که مؤلف‌محور بود و از دید جامعه‌شناسی تاریخی به آثار ادبی نگاه می‌کرد، گرفتند. اندیشه جامعه‌شناسی ادبی که لانسون طرح کرده بود، فرمول پیچیده‌ای است در بیان ارتباط تأثیرات اجتماعی با مؤلف، خواننده اثر و متن.

از دیگر آثار لانسون است: تاریخ اجمالی تراژدی در فرانسه، هنر نثر، بوآلو، کورنی، وُلتر، خاستگاه درام معاصر، رسالت موتینی، لو مارکی دو وونارگ، تئاتر کلاسیک در زمان الکساندر هاردی.

اهمیت اثر

تاریخ ادبیات فرانسه، اثر لانسون، مدت‌ها مهم‌ترین کتاب مرجع در این زمینه بود و الگوی بسیاری از تاریخ‌ادبیات‌نگاران بعدی قرار گرفت. ممکن است شیوه کار لانسون قدیمی شده باشد، اما اثر او هنوز جزو مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ ادبیات فرانسه است.

معرفی اثر

کتاب حاوی ۱۴۴۱ صفحه است و از نظر زمانی از قرون وسطا و خاستگاه ادبیات فرانسه شروع می‌شود و با تشریح عصر رمانتیک پایان می‌یابد. بخش افزوده پل توفرو، از ناتورالیسم تا دوران معاصر (یعنی فاصله زمانی ۱۸۵۰-۱۹۵۰) دربرمی‌گیرد. این کتاب حاوی هفت بخش (*partie*) است: قرون وسطا، از قرون وسطا تا رنسانس، قرن شانزدهم، قرن هفدهم، قرن هجدهم، قرن نوزدهم، دوران معاصر (۱۹۱۹-۱۹۵۰). همان‌طور که می‌بینیم بخش‌ها بر اساس تاریخ زمانی تقسیم‌بندی شده‌اند. هر بخش از چند دفتر (*livre*) تشکیل شده و هر دفتر شامل چند فصل (*chapitre*) است. هر فصل نیز به‌نوبه خود تقسیم‌بندی‌هایی دارد که با شماره مشخص شده‌اند.

در پایان کتاب، پی‌نویسی شامل موارد از قلم‌افتاده درج شده و پس از آن، جدول کروئولوژیک (زمانی) آثار مهم ادبیات فرانسه با مشخص کردن سبک هر اثر در جدول مندرج است. فهرست اعلام و فهرست موضوعی پایان‌بخش کتاب هستند.

اهداف مؤلف

لانسون در مقدمه این اثر هدف خود را چنین تشریح می‌کند: امروزه برای بررسی ادبیات مقداری اطلاعات دقیق جهت هدایت داورهای هم‌مان کافی خواهد بود. اما دو چیز را نباید از نظر دور داشت: هدف از تاریخ ادبیات توصیف شخصیت‌هاست و این توصیف بر مبنای ذوقیات فردی است. منظور توصیف خود شخصیت‌ها، مثلاً خود کورنی و خود هوگو، است و این کار نه

با تجربیات یا روش‌های معمول که بتوان آن‌ها را به همه نتایج تغییرناپذیر تعمیم داد، بلکه با استفاده از توانایی‌های هر فرد صورت می‌گیرد. از این رو، نتایج حاصله نسبی و متغیر است و نمی‌توان برای هدف و راه‌های شناخت ادبی صورتی دقیقاً علمی قائل شد (p. VII).

او این اثر را به «هرکه می‌خواند» (*à qui lit*) تقدیم کرده است و از این رو کوشیده است حتی المقدور اثری کاربردی در شناخت ادبیات فرانسه ارائه دهد (p. V).

لانسون معتقد است اگر هدف صرفاً اطلاعات دادن از همه تاریخ ادبیات باشد، مجموعه‌ای خشک از اطلاعات و فرمول‌ها فراهم خواهد آمد که کمتر کسی راغب به مطالعه آن خواهد بود (p. VI). تا زمان لانسون تاریخ ادبیات چیزی هم جز این نبود. این اشتباه از آنجا ناشی می‌شد که می‌خواستند به ادبیات صورتی علمی دهند و آن را جزو دانش‌های پوزیتیو طبقه‌بندی کنند. یکی از پیش‌گامان این کار ارنست رنان بود که در تاریخ علم خود می‌نویسد: «هدف از مطالعه تاریخ ادبی جایگزین کردن آن با مطالعه مستقیم آثار ادبی است» و به نوعی ادبیات را نفی می‌کند و این رشته را تنها شاخه‌ای از تاریخ، تاریخ آداب و رسوم یا تاریخ اندیشه‌ها در نظر می‌گیرد.

لانسون، ضمن مخالفت با این طرز فکر، اهمیت زیادی برای مطالعه آثار ادبی قائل است و بدون این کار تاریخ ادبیات را عقیم و بی‌ارزش می‌داند. از نظر او، اثر و مؤلف از هم جدا نیستند:

در ادبیات هم مانند هنر، نمی‌توان آثار را نادیده گرفت چون آثار و شخصیت‌ها بی‌نهایت به هم وابسته‌اند، هیچ‌کس هم نمی‌تواند ادعا کند محتوای اثری را کاملاً دریافته یا برای آن فرمولی ساخته است (p. VIII).

هدفی که لانسون برای بررسی تاریخ ادبیات در نظر دارد، شاید در توصیف او از ادبیات بهتر نمایان گردد:

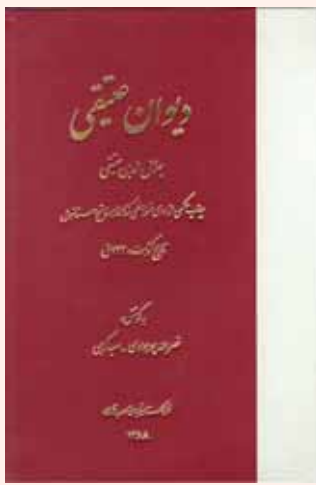
ادبیات هدف شناخت نیست؛ ادبیات تمرین، ذوق و لذت است. ادبیات را نمی‌دانیم، نمی‌آموزیم، تمرین می‌کنیم، پرورش می‌دهیم و دوستش می‌داریم. حقیقی‌ترین چیزی که درباره آن می‌توان گفت، گفته دکارت است: خواندن کتاب‌های خوب به‌مانند گفت‌وگو با شریف‌ترین انسان‌های قرن پیش است، گفت‌وگویی که حاوی بهترین اندیشه‌های آنان است (p. VIII).

لانسون نمی‌خواهد با این اثر خواننده را از خواندن آثار مهم ادبی معاف سازد، بلکه می‌خواهد انگیزه‌ای به او برای مطالعه این آثار بدهد. منابع او در این کار زندگی‌نامه‌ها و کتاب‌شناسی‌ها، منابع اصلی، اقتباس‌ها، کارهای تقلیدی، رویدادشماره‌ها و جز این‌ها بوده است.

ساختار اثر

بخش‌بندی اصلی اثر، همان‌طور که گفته شد، زمانی است و هر یک از این بخش‌ها خود به فصولی بر مبنای موضوع تقسیم شده است. لانسون بیش از همه به قرون وسطا و قرن نوزدهم پرداخته است. به هرکدام به ترتیب ۱۴۰ و ۳۵۸ صفحه اختصاص داده است. باینکه تقسیم‌بندی کتاب زمانی است، اما مثلاً برخی آثار اواخر قرن نوزدهم ویژگی‌های آثار اوائل قرن بیستم را دارند و مؤلف این موضوع را هم در نظر گرفته است. در آثار معاصر، آن‌گونه که لانسون توضیح می‌دهد، نادیده گرفتن گرایش‌های عصر حاضر و تمایلات فردی نویسندگان (سیاسی، مذهبی، متافیزیک، و حتی زیبایی‌شناسانه) غیرممکن است (p. XI).

یکی از دلایلی که لانسون به قرون وسطا بیشتر پرداخته، آثار مهمی است که در این دوران پدید آمده‌اند اما به‌خوبی شناخته نشده‌اند. همچنین از نظر لانسون، این دوران دوره کودکی ادبیات فرانسه است. در این بخش، پس از مقدمه‌ای در خاستگاه ادبیات فرانسه، آثار به‌صورت موضوعی در دو عنوان ادبیات حماسی و شوالیه‌ای و ادبیات بورژوازی بررسی شده‌اند. در هرکدام از این عنوان‌ها هم تقسیم‌بندی‌هایی موضوعی مشاهده می‌کنیم. برای مثال، ژانر مهم شانسون دو ژست (منظومه‌های حماسی قهرمانی) از فصول ادبیات حماسی و شوالیه‌ای است و رمان‌های روباه (حکایات طنزآمیز) و فابلیوها (حکایات نقلی) در ادبیات بورژوازی مطرح شده است. البته در این بخش کلیه آثار این دوره را نمی‌بینیم



دیوان عتیقی

نصرت‌الله پورجوادی - سعید کریمی

جلال‌الدین عبدالحمید عتیقی، به احتمال بسیار زیاد متولد سال ۶۴۶ ق و محل ولادتش تبریز است. پدر وی، قطب‌الدین ابوالفضل عبدالرحمان (متوفای ۶۷۵)، از صوفیان و مفسران و واعظ بزرگ آذربایجان به شمار می‌آمده‌است. به گفته ابن‌کربلایی در سفینه تبریز، عتیقی یکی از علمای بزرگ دوره ایلخانی بود که به علوم ظاهری و باطنی تسلط داشت. او واعظ توانایی نیز بود و در عمارت غیائیه تبریز وعظ می‌کرد و علمای بزرگی در مجالس او شرکت می‌کردند. نسب عتیقی به برادر شیخ شهاب‌الدین محمود عتیقی اهری (متوفای ۶۶۵) که خود از شاگردان رکن‌الدین سجاسی و از مشایخ صوفیه سلسله سهروردیه در قرن هفتم بوده‌است، می‌رسد.

کتاب حاضر متن کامل دیوان جلال‌الدین عتیقی است که از روی نسخه خطی نفیس آن، متعلق به کتابخانه فاتح استانبول، به صورت عکسی چاپ شده‌است. درباره این نسخه نخستین بار در سال ۱۳۱۴ ش، محمدعلی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان، در ضمن احوال جلال‌الدین عتیقی خبر داد و نوشت: «از مولانا [جلال‌الدین عتیقی] دیوان بسیار بزرگی که در تاریخ ۷۴۴ استکتاب شده در کتابخانه فاتح استانبول، در تحت نمرة ۲۸۴۳ موجود است.» کشف مجموعه خطی سفینه تبریز در سال ۱۳۷۴ ش و ذکر جلال‌الدین عتیقی و نقل اشعار و رسائل وی در آن و ارائه چهره صوفیانه او، آن‌هم به دست کاتبی که خود از جمله شاگردان او بوده‌است، موجب شد که در باب احوال و آثار وی جست‌وجوی بیشتری صورت بگیرد که این امر به دست یافتن به این نسخه ارزشمند منجر شد.

دیوان عتیقی، به کوشش نصرت‌الله پورجوادی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و سعید کریمی، در ۸۴۰ صفحه و با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، به بهای ۲۵۰۰۰۰ ریال، از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شده‌است.

عنوان پیشرفت رابله، عقاید رابله، و هنر رابله به او می‌پردازد. زمانی که لانسون می‌خواهد از نخستین شاهکارها در قرن هفدهم سخن بگوید، مالرب را با ذکر خصوصیات مالرب، اصطلاحاتی در زبان و شعر و دلایل موفقیت او مطرح می‌کند. ظاهراً در این قرن، زبان فرانسه نیز خصوصیتی یافته که البته مورد توجه لانسون قرار می‌گیرد و از پیروان سبک پرسینو (تکلف‌گرایی) (Les Précieux) و زبان فرانسه و نیز فرهنگستان فرانسه و فرهنگ لغت (دیکسیونر) سخن می‌راند. سپس به عصر کلاسیک که از نظر زمانی در همین قرن است و نویسندگان بزرگ آن، چون کورنی و پاسکال (به‌عنوان نسل اول این سبک)، لاروشفوکو، رتس، مادام دو سویینه (به‌عنوان نویسندگان محفلی)، بوالو، مولیر، راسین، لافونتن، بوسوئه و بوردالو در فصولی جداگانه می‌پردازد. اثر مشهور السید که اقتباس‌های مختلفی از آن شده، در همین بخش فصلی را به خود اختصاص داده‌است. لانسون پس از شرح پایان عصر کلاسیک، به لاپرویر و فنلون می‌پردازد، نویسندگانی متعلق به اواخر قرن هفدهم که آثارشان خصوصیات کلاسیکی این قرن را ندارد (نمونه‌ای از شیوه کار لانسون که در بالا ذکر شد).

در قرن هجدهم، فرم‌های ادبی (شعر، تراژدی، کمدی و درام، و رمان) با شرحی از نویسندگان پیشرو هر سبک توضیح داده شده‌است. سپس نویسندگان و فیلسوفان تأثیرگذار این قرن چون سن‌سیمون، ولتر، مونتسکیو، دیدرو به تفصیل بررسی شده‌اند. ولتر به دلیل اهمیت و تأثیری که به جا گذاشته، دو فصل از این بخش را به خود اختصاص داده‌است: فصل دوم از دفتر سوم که از دوره جوانی ولتر (با عناوین ولتر پیش از ۱۷۳۴؛ ولتر در سیری (نزدیک پاریس) و در دربار؛ ولتر، مورخ فیلسوف؛ افکار ولتر پیش از ۱۷۵۵؛ ولتر در پروس) سخن می‌گوید، و فصل چهارم از دفتر چهارم که از میان‌سال‌ی ولتر (با عناوین فعالیت فلسفی ولتر؛ روحیه و آثار ولتر؛ مذهب ولتر؛ دشمنان ولتر) می‌گوید.

لانسون در بخش ششم که به قرن نوزدهم می‌رسد، به دلیل واقعه بزرگ انقلاب فرانسه که روی می‌دهد، در خصوص تأثیر انقلاب بر ادبیات و ویرانی جامعه با ادب و فرهنگ می‌نویسد و بعد وارد بحث جنبش رمانتیسیم، تعریف و خاستگاه آن، شعر و تئاتر و رمان رمانتیک، و اثر آفرینان این جریان می‌شود. ناتورالیسم و مکتب پارناس و سمبولیسم از دیگر مباحث این بخش‌اند. در بخش دوران معاصر که به قلم توفرو است، ابتدا نگاهی کلی به اوضاع زمانی حد فاصل دو جنگ شده‌است و سپس مباحث شعر، رمان، تئاتر و نقد ادبی تا ۱۹۵۰ مطرح می‌شود.



لانسون از میان آن‌ها دست به گزینش زده و تنها به آثار مهم و ماندگار این دوره پرداخته‌است.

لانسون علاوه بر دوره‌ها و انواع ادبی، شخصیت‌ها را نیز بررسی می‌کند که از نظر او، هدف تاریخ ادبیات و ابزار مفید در مطالعات فرهنگی‌اند و حجم زیادی از این کتاب را به خود اختصاص می‌دهند. اما برای آنکه بتواند اثر خود را در یک جلد انتشار دهد، هر آنچه را واقعاً به ادبیات مربوط نیست، اما در آن داخل شده، حذف کرده‌است؛ مثل تاریخ تمدن و تاریخ اندیشه‌ها، و بالطبع، آثاری را هم که اولویت آن‌ها این موضوعات بوده، کنار گذاشته‌است. لانسون به آثار سیاستمداران نیز پرداخته‌است، هر چند که آثار خطابی مهمی را در ادبیات به وجود آورده‌باشند. آثاری نیز که به زبان‌های دیگر مثل سلتی یا لاتین نوشته شده‌باشند، حتی اگر نویسنده آن‌ها فرانسوی یا گل باشد، در این اثر منظور نشده‌اند. لانسون به تاریخ زبان فرانسه هم نمی‌خواسته بپردازد. میان دستور زبان تاریخی و تاریخ ادبیات، به گفته لانسون، تاریخ ادبی زبان قرار دارد؛ یعنی بررسی ویژگی‌های ادبی زبان عموم در وضعیت‌های مختلف. مثلاً به آنچه از زبان فرانسه در قرون وسطا می‌دانیم، اندک اطلاعاتی را که از زبان پروونسال در قرون وسطا داریم، بیفزاییم.



لانسون چندان علاقه‌ای به زندگی‌نامه نویسندگان ندارد و اصلاً آن را در بررسی تاریخ ادبیات موثر نمی‌داند. از این رو، زندگی‌نامه‌ها را

به پانویست منتقل کرده‌است و کوشیده همین مقدار هم تا حد امکان مفید و کاربردی باشد. آنچه او به آن می‌پردازد، استعداد و توانایی نویسندگان در خلق آثار ادبی و تأثیری است که بر ادبیات به جا گذاشته‌اند و از هر نویسنده به مهم‌ترین آثارش می‌پردازد. او همچنین به نقدهایی که بر آثار نویسندگان شده‌است، به‌خصوص نقدهای تازه توجه می‌کند. لانسون در پانویست علاوه بر زندگی‌نامه‌ها، منابعی هم برای مطالعه بیشتر ذکر کرده‌است. او در این اثر ترجیح داده‌است بر نویسندگان بزرگ بیشتر تمرکز کند تا اینکه فهرست بزرگی از نویسندگان درجه دوم و سوم را ردیف کند که آثارشان چندان ارزش خواندن هم ندارد.

اما بررسی نویسندگان مورد نظر او هم در تقسیم‌بندی‌های موضوعی مربوط به هر دوره زمانی جای می‌گیرد. به‌عنوان نمونه چند مورد از فصل‌بندی‌های لانسون در ادامه می‌آید:

در بخش دوم، از قرون وسطا تا رنسانس، وقتی بحث اضمحلال قرون وسطا را مطرح می‌کند، از نویسندگانی چون شارل دورلن، فیلیپ دو کومین، فرانسوا ویون سخن می‌گوید. در قرن شانزدهم، یکی از نویسندگان مورد بحث او فرانسوا رابله است که ذیل سه

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، میزبان استادان زبان و ادب فارسی از کشورهای هند، تاجیکستان و ترکیه

دوشنبه، دوم آذرماه، فرهنگستان زبان و ادب فارسی میزبان استادانی از کشورهای هند، تاجیکستان و ترکیه بود. این استادان که به دعوت دانشگاه آزاد اسلامی در مراسم همایش بزرگداشت مولوی شرکت کرده‌بودند، نشست دوستانه با حضور دکتر غلامعلی حداد عادل و چند تن از اعضای پیوسته فرهنگستان در خصوص مسائل مشترک زبان و ادب فارسی بحث و تبادل نظر کردند.

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی دبیر محترم کمیسیون فرهنگی با سلام و دعای خیر،

پیشنهاد شماره ۱۱۰۱/۱۹۵۱ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۶ فرهنگستان زبان و ادب فارسی در خصوص «تغییر نام بندر کاسپین در منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی»، در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۷ کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست مطرح و با توجه به اینکه موضوع تغییر نام در ارتباط با وظایف کمیسیون فرهنگی هیئت دولت می‌باشد، موضوع به کمیسیون یادشده ارجاع شد.

سید عباس جزایری

دبیر کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد

رئیس‌جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام،

بنا به گزارشی که در روزنامه کیهان، چهارشنبه ۸ آبان ۱۳۸۷، درج شده و به پیوست تقدیم می‌شود، هیئت دولت احداث بندر جدید تجاری به نام «کاسپین» را در منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی تصویب کرده است. هر چند نام کاسپین صورت فرنگی کلمه «قزوین» است و لفظی است که در زبان‌های اروپایی برای اشاره به بحر خزر از آن استفاده می‌شود، این امر مجوز استفاده از این کلمه در زبان فارسی نیست، چنان‌که استفاده از کلمه «پرشیا» به جای «پارس» و امثال آن نیز روا نیست. تقاضا دارد دستور فرمایید برای پیشگیری از آثار منفی و تبعات این شیوه نام‌گذاری، نام دیگری برای بندر جدید مورد نظر انتخاب شود.

برنوشت: جناب آقای حداد عادل، رئیس محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای استحضار.

غلامعلی حداد عادل

گزارش گروه فوریت‌های واژه‌گزینی

علی مهرامی

با رشد علوم و فناوری‌های نوین، همواره واژه‌های بیگانه‌ای در علوم و در زبان عموم مردم جاری می‌شود که اگر بتوانیم به‌موقع برای آن‌ها معادل‌گزینی کنیم، راندن آن‌ها از زبان سهل‌تر خواهد شد. در علوم مختلف، فرهنگستان از طریق گروه‌ها و شوراهای تخصصی خود عمل می‌کند و در مورد واژه‌هایی که عموم با آن‌ها سروکار دارند، بخشی تحت عنوان واژه‌های عمومی تشکیل داده‌است که این بخش، واژه‌ها را شناسایی و با نظرخواهی از متخصصان در زمینه‌های مختلف، آن‌ها را جداگانه بررسی می‌کند و در شورایی با حضور تنی چند از اعضای پیوسته فرهنگستان و اعضای هیئت فنی گروه واژه‌گزینی، مطرح می‌کند و بلافاصله به اطلاع عموم می‌رساند. این شورا تا کنون برای واژه‌های عمومی مانند لیل، اسپانسر، بی‌آرتی، هولدینگ و برند معادل‌هایی را به تصویب رسانده یا پیشنهاد کرده و به نظرخواهی گذاشته‌است.

در جلسه ۱۳۸۸/۷/۲۰ نیز واژه‌های زیر در شورای واژه‌گزینی واژه‌های عمومی مطرح شد و معادل‌هایی به تصویب رسید که برای نظرخواهی از عموم، در اینجا اعلام می‌شود و تا پایان سال جاری نظرها بررسی و تصمیم نهایی درباره آن‌ها اتخاذ خواهد شد.

opaque projector

تعریف: فراتابی (projector) برای نشان دادن عکس و نمودار و نوشته‌ای که روی اجسام یا مواد غیرشفاف قرار دارد. برای ترکیب فوق، این معادل‌ها را تا کنون به کار برده‌اند:

پروژکتور آپک، پروژکتور تیره، تصویرانداز مات، تصویرنمای آپک، تصویرنما، و نورافکن مات. این معادل‌ها نیز در جلسه پیشنهاد شد: کدرنما، تصویرافکن، کدرتاب. پس از بحث و بررسی، معادل **تصویرافکن** به تصویب رسید.

overhead projector

تعریف: فراتابی (projector) که متون و تصاویر را از ورقه شفافیه که در زیر آن قرار دارد، در مقیاسی بزرگ‌تر، روی پرده یا دیوار نشان می‌دهد. برای این وسیله معادل‌های زیر در متون به کار رفته‌است:

پروژکتور آورهد، پروژکتور شفاف‌نما، تصویرافکن شفاف‌نما، فراتاب بالانما، فرانما، آورهد، پروژکتور بالای سر، نورافکن شفاف، دستگاه نمایش طلق شفاف، فراتاب طلق شفاف و دستگاه شفاف‌نما.

معادل‌های پیشنهادشده در جلسه: فرازنما، بالاتاب، فراتاب، فرازتاب، شفاف‌تاب، بالانما. پس از بحث و بررسی، معادل **بالاتاب** به تصویب رسید.

transparency

تعریف: تلقی که بر روی آن، تصویر و نوشته و طرح و مانند آن نگاشته شده‌است و می‌توان آن‌ها را با تاباندن نور بر روی پرده نمایش داد.

برای این واژه، معادل‌های زیر به کار رفته‌است: ترانسپارنسی، ترانسپارنت، شفافه، استشفاف، پست‌نمایی، تراپیدایی، نورگذر، تراپیدایی، ترانمایی، تراپیدایی، نورگذران، نورگذرانی، ورنمایی، شفاف‌نما و ترانما.

پس از بحث و بررسی، معادل **شفافه** به تصویب رسید.

handout

تعریف: یک یا چند برگ کاغذ حاوی اطلاعات کلی درباره یک موضوع که در کلاس یا سخنرانی و امثال آن میان حاضران پخش می‌شود.

معادل‌هایی که برای این واژه به کار رفته‌است عبارت‌اند از:

ورق توزیعی، دفترواره، ورقه.

این معادل‌ها هم در جلسه مطرح شد: دست‌گردان، دست‌چرخ، دستانه، دست‌برگ و دست‌برگه.

از میان معادل‌های فوق، دست‌برگ به تصویب رسید.

heater

تعریف: وسیله‌ای که با استفاده از گاز یا برق محیط را گرم می‌کند.

قبلاً برای لفظ هیتتر معادل‌های اجفاک و بخاری برقی به تصویب رسیده‌است، اما هریک از آن‌ها به مصداق خاصی دلالت دارد و با مصداق هیتتر در صنعت تأسیسات سازگار نیست؛ ازاین‌رو، فرهنگستان با همکاری انجمن صنعت تأسیسات این واژه را بررسی کرد. معادل‌های پیشنهادشده عبارت بودند از گرم‌باد و گرماساز و گرم‌ماوز که از میان آن‌ها **گرماساز** به تصویب رسید.

lego

تعریف: نوعی اسباب‌بازی، شامل قطعات کوچک کائوچویی یا پلاستیکی که می‌توان آن‌ها را روی هم سوار کرد و برای بازی و سرگرمی، چیزهایی مثل خانه و قطار و کشتی ساخت.

توضیح: LEGO نام کارخانه سازنده این اسباب‌بازی است که در کشور دانمارک قرار دارد. lego در زبان دانمارکی به معنی «خوب بازی‌کن» یا «خوب بازی کردن» است و در زبان لاتین یعنی «کنار هم می‌چینم»، «روی هم سوار می‌کنم».

شرکت مزبور نام این بازی را **Bricks and Build- ing Accessories** گذاشته‌است. با توجه به نام بازی و نام کارخانه، همکاران و پژوهشگران گروه واژه‌گزینی معادل‌های زیر را پیشنهاد کردند: سازه‌سازی، خانه‌سازی، ساختمان‌سازی، اجسام‌سازی،

جورسازی، نمونک‌سازی، بریز و بساز، چهل (چل) سازه، چل‌چینه، کوشک‌سازی، به‌چین / بهچین، مهره‌چین، چینه‌چینه، آجرسازی، هاجین‌واچین، چین‌ورچین، همچینه، بریز بچین، بس‌چین، چینه، کرچین، سازه‌چین، چین‌چینک، آجرچین، پارچین.

پس از بحث و بررسی، معادل **همچین** به تصویب رسید.

campaign

تعریف: یک رشته فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده با هدف خاص اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی نویسندگان و مترجمان. تاکنون معادل‌های زیر را در برابر **کمپین** به کار برده‌اند:

برنامه‌ریزی، بسیج، تمهید، فعالیت، مبارزه، پیکار، کارزار و پوش.

واژه **کمپین** در ترکیبات مختلف با معادل‌های فارسی مختلف، به شرح زیر به کار رفته‌است:

مبارزه با بی‌سوادی، پیکار با بی‌سوادی، نهضت سوادآموزی **campaign against illiteracy**. مبارزه با تبعیض نژادی **campaign against racial discrimination**. فعالیت انتخاباتی **campaign of publicity**. ستاد تبلیغاتی **campaign palace**

پس از بحث و بررسی، معادل **پویش** در برابر آن به تصویب رسید.

pilot1

تعریف: آنچه به‌عنوان راهنما و نمونه آزمایشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

pilot2

تعریف: ویژگی آنچه در مقیاس کوچک‌تر، قبل از اجرای طرح یا تولید انبوه محصول، تهیه یا ساخته می‌شود.

برای لفظ پایلوت در دو حالت اسمی (تعریف اول) و صفتی (تعریف دوم)، معادل‌های آزمایشی، نمونه و نمونه آزمایشی به کار رفته‌است. در جلسه شورا نیز معادل‌های نمونش و آزمونه مطرح شد و سرانجام **آزمونه‌ای** (برای تعریف صفتی) و **آزمونه** (برای حالت اسمی) به تصویب رسید.

powerizer

تعریف: وسیله‌ای ورزشی، دارای فنر و اهرم مهار و زانوبند، که پاها را در آن قرار می‌دهند و با آن می‌توانند تا دو متر پرش ارتفاع انجام دهند.

این لفظ نامی است تجاری و همکاران و پژوهشگران گروه واژه‌گزینی معادل‌های زیر را در برابر آن پیشنهاد کرده‌اند:

وک‌تک، وک‌ورجک، وک‌پر، بام‌بام، پم‌پم، کانگورویی، پاکانگورویی، کفش فنی، فنرکفش، کفش پرشی، پزانه، وک‌سا، وک‌سان، وک‌پره، پاورجو، پاورجی، پاورجه و ورجوک.

از میان معادل‌های پیشنهادی **پاورجه** به تصویب رسید.

بر روی کلیه تولیدات داخلی، اعم از بخش‌های دولتی و غیردولتی که داخل کشور عرضه می‌شود، ممنوع است.»

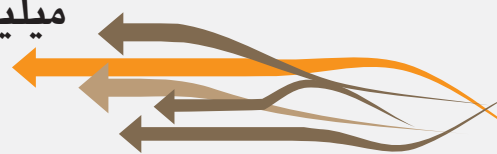
در هفته اول دی‌ماه سال جاری، چندین نفر ضمن تماس تلفنی با فرهنگستان، از پخش آگهی با نام **میلینیوم millennium**. از سیمای جمهوری اسلامی ایران خبر دادند و به پخش لفظ خارجی در آگهی‌های بازرگانی سیمای جمهوری اسلامی ایران اعتراض کردند. برای اطلاع از صحت و سقم این مطلب، از دفتر ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با مدیر محترم اداره بازرگانی صدا و سیما تلفنی تماس گرفته شد.

مدیر محترم اداره بازرگانی صدا و سیما فرمودند که **میلینیوم** اسم ساختمانی بسیار بزرگ در بزرگراه شهید همت است و حدود هشت سال است که کارهای ساختمان آن آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

اینک این پرسش مطرح است، آیا اساساً نام‌گذاری یک ساختمان با نام بیگانه در قلب پایتخت خلاف قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و... نیست؟ آیا سیمای جمهوری اسلامی ایران باید مبلغ عمل خلاف قانون باشد؟ این قانون را چه کسانی باید محترم بشمارند و اجرا کنند؟! و

میلینیوم در سیما

گروه واژه‌گزینی



حفظ قوت و اصالت زبان فارسی، به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایرانیان، از اهداف فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. مجلس شورای اسلامی، با احساس مسئولیت در برابر زبان فارسی، قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه را در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۸ به تصویب رساند. در ماده واحده این قانون آمده‌است:

«... دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرایی و قضایی کشور و سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و... موظف‌اند از به کار بردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رسمی خودداری کنند و همچنین، استفاده از این واژه‌ها



بازنگری نهایی دفترهای دوم تا چهارم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان در سال ۱۳۸۹ انجام خواهد شد. فرهنگستان، واژه‌های این مجموعه را به تدریج در همین بخش به آگاهی عموم می‌رساند و از تمامی متخصصان علمی و فنی و نویسندگان و مترجمان زبده و علاقه‌مندان به زبان فارسی دعوت می‌کند با به کار بردن این واژه‌ها و اظهار نظر در مورد آن‌ها، در پیشرفت و غنی‌سازی زبان فارسی مؤثر باشند.

در این صفحه، مجموعه‌ای شامل بیست‌وپنج واژه از مصوبات گروه واژه‌گزینی در سال ۱۳۸۴ آمده که در دفتر دوم فرهنگ واژه‌های مصوب نیز منتشر شده‌است. تمامی این واژه‌ها متعلق به حوزه پزشکی هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، برای اشراف بیشتر شما، مفاهیم هر مدخل با تعریف نیز همراه شده‌است. چنانچه نظری درباره هر یک از واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان دارید، از طریق نامه یا دورنگار (۸۸۶۴۲۴۵۵ - ۰۲۱)، یا پیام‌نگار واژه‌گزینی (terminology@persianacademy.ir)، یا وبگاه فرهنگستان ما را مطلع فرمایید.

واژه بیگانه	معادل فارسی	تعریف
pericardiorrhaphy	پیراشامه‌دوزی	ترمیم و دوختن زخم‌های موجود در غشای دربرگیرنده قلب
pericardiostomy	پیراشامه‌سُنی	عمل جراحی که در طی آن کیسه غشایی پیرامون قلب را سوراخ و مایع درون آن را با لوله زهکشی می‌کنند
pericardiotomy	پیراشامه‌شکافی	باز کردن یا بریدن کیسه غشایی پیرامون قلب با عمل جراحی
pericarditis	پیراشاماس	آماس حاد یا مزمن کیسه غشایی دربرگیرنده قلب
pericardium	پیراشامه قلب، پیراشامه	کیسه‌ای متشکل از دو لایه که قلب و ریشه عروق بزرگ متصل به قلب را دربرمی‌گیرد
planter	کف‌پایی ۱	مربوط به کف پا یا واقع در آن
pleural effusion	ترشح جنب	جمع شدن مایع در فضای جنب به دلیل ترشح بیش از حد
pleurectomy	جنب‌برداری	برداشتن بخشی از پرده جنب با جراحی
pleurisy, pleuritis	جنب‌آماس	التهاب پرده جنب همراه با برون‌نشت مایع به داخل حفره و سطح آن
pleurocentesis	بزل جنب	وارد کردن سوزن یا ابزار توخالی دیگر از راه دیواره قفسه سینه در حفره جنب برای بیرون کشیدن مایع یا خون یا چرک یا هوا
pleurodynia	پهلودرد	درد گاهگیر شدید ناشی از تنجه ماهیچه‌های بین دنده‌ای یا ناشی از آماس پرده جنب
pleurography	جنب‌نگاری	بررسی پرتوشناختی حفره جنب
pleurotomy	جنب‌شکافی	ایجاد بُرش در حفره جنبی از راه دیواره قفسه سینه
pneumograph	دم‌نگار	اسبابی برای ثبت حرکات تنفس
pneumonectomy	ریه‌برداری	درآوردن ریه با جراحی
pneumonia	سینه‌پهلو	التهاب ریه‌ها همراه با تراکم
pneumonitis	شش‌آماس	التهاب ریه که محدود به دیواره حبابچه‌ها و غالباً ناشی از ویروسها یا عوامل ناشناخته است
pneumothorax	هواجنبی	وجود هوا در حفره جنب
primer	پیشگام	ملکولی که وجود آن برای ساخته شدن ملکول دیگر ضروری است
proctitis	راست‌روده آماس	التهاب راست‌روده
prosthesis	بَرسازه، اندام مصنوعی	جانشین ساخته‌شده برای عضو یا بخش ازدست‌رفته بدن بیمار
proximal	نزدینه	در نزدیکی مبدأ یا نقطه اتصال یا نزدیک به خط میانی بدن
pyemia	چرک‌خونی	مسمومیت خون با باکتریهای چرک‌ساز آزاده شده از دمل
pyuria	چرک‌میزی	وجود چرک در پیشاب که آن را کدر می‌سازد
refractory	سخت‌درمان	مقاوم در برابر درمان



دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر علی اشرف صادقی، در رونمایی از کتاب ارجنامه دکتر غلامحسین یوسفی



دکتر محمدجعفر یاحقی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عصر روز دوشنبه، سیام آذرماه، در هفتادوپنجمین نشست مرکز پژوهشی میراث مکتوب، که به رونمایی از کتاب ارجنامه دکتر غلامحسین یوسفی اختصاص داشت، در جمع نسخه‌پژوهان، متن‌پژوهان، استادان دانشگاه‌ها و دانشجویان رشته ادبیات حضور یافت و در سخنانی اظهار داشت: زنده‌یاد یوسفی در دل همه دوستان و ادب‌پژوهان جای داشت. دانش، معرفت و عرفان ایرانی در وجودش متبلور شده بود و وی در رفتار، منش و شخصیت خود، ابعاد مثبت فرهنگی ایران را نشان می‌داد. شیوه کار او الگو و دغدغه‌ای برای پژوهشگران به شمار می‌رفت.

وی در ادامه افزود: میراث مکتوب تدوین ارجنامه یوسفی را در اختیار من قرار داد؛ زیرا ما در دانشکده ادبیات مشهد با نام یوسفی زندگی می‌کنیم و کوشش این است که نسل امروزی که این مرد وارسته را ندیده است بتواند با آثار و فعالیت‌هایش آشنا شود. در دانشگاه مشهد اقدام پسندیده‌ای صورت گرفت و کتاب‌های زنده‌یاد یوسفی به دانشکده ادبیات اهدا شد و ما نیز سالی را برای متخصصان ادبیات اختصاص دادیم.

دکتر یاحقی همچنین خاطرنشان کرد: چهاردهم آذرماه سال‌روز درگذشت استاد یوسفی بود و در مشهد نیز کتاب ارجنامه این استاد ارجمند رونمایی شد. این کتاب برطبق الگوی کار میراث مکتوب تدوین شده و در بخش نخست آن به شرح حال و آثار شخصی وی پرداخته شده است و به‌صورت سال‌شمار و به تفصیل، شرح حال یوسفی در آنجا آمده و آثار قلمی وی به‌طور کلی ذکر و بر تصحیحاتش تأکید شده است.

وی در ادامه به آثار شادروان یوسفی اشاره کرد و گفت: کتاب‌ها و آثار یوسفی شناخته شده‌اند، مانند گلستان، بوستان و قابوس‌نامه. وی نه اثر تصحیحی دارد و در این کتاب به‌طور کلی به آن‌ها پرداخته‌ایم. التصفیه فی احوال المتوفیه، لطایف الحکمة ارموی، ملخص



دکتر فتح‌الله مجتبابی: مشکل ما این است که ریشه‌ها و بنیادها را نمی‌شناسیم.

در چهارمین جلسه حلقه علمی کرسی ادیان و عرفان که روز چهارشنبه، چهارم آذرماه، در دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی برگزار شد، دکتر فتح‌الله مجتبابی، رئیس حلقه علمی کرسی ادیان و عرفان، بر شناخت ریشه‌ها و بنیادها در حیطه علم و فرهنگ تأکید کرد.

در این جلسه دکتر فتح‌الله مجتبابی رئیس حلقه علمی ادیان و عرفان، با تأکید بر شناخت ریشه‌ها و



دکتر محمود عابدی: در متون فارسی به وجه سیاسی نهج البلاغه توجه نشده است.

دکتر محمود عابدی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در گفت‌وگو با خبرنگاری شبستان در باب بررسی متون فارسی منشور گفت: متأسفانه در این متون به وجه سیاسی نهج البلاغه توجه نشده است.

دکتر عابدی که به‌تازگی کتابی با عنوان گوهرهای پراکنده را منتشر کرده است ادامه داد: در تحقیقی که بر روی آثار منشور فارسی تا سال ۷۵۰ هجری قمری انجام داده‌ام، سعی کرده‌ام که تأثیر سخنان حضرت علی (ع) را بر متون فارسی نشان بدهم و این سخنان را از نظر منابع حدیث، شناسایی و به مخاطبان نشان بدهم. این تحقیق که بر روی دو بیست عنوان کتاب معتبر فارسی انجام شده است نشان می‌دهد که بیشترین استفاده را از سخنان حضرت امیر، امام محمد غزالی در احیاء العلوم و کیمیای سعادت داشته است.

وی در ادامه افزود: ویژگی دیگر کار غزالی، در مقایسه با دیگران، این است که او بیشتر به بحث‌های اجتماعی نهج البلاغه توجه کرده است، در حالی که دیگران به پیام‌های اخلاقی نهج البلاغه پرداخته‌اند.

دکتر عابدی همچنین در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: در مقابل غزالی، مؤلفان



«خرمه» هوشنگ مرادی کرمانی به تایوان رفت.

خرمه، اثر مطرح هوشنگ مرادی کرمانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از سوی انتشارات Yuan Liou پس از ترجمه به تایوانی، در این کشور منتشر شده است.

این کتاب، علاوه بر زبان تایوانی (چینی)، پیش‌ازین به زبان‌های آلبانیایی، فرانسوی، آلمانی، هلندی، اسپانیایی،

لغات خطیب کرمانی و... از جمله تصحیحات یوسفی‌اند. تصحیح و توضیح غزل‌های سعدی نیز ناتمام ماند و باید بتوانیم شرحی بر غزلیات سعدی بنویسیم.

یوسفی دقت و صراحت بسیاری در چاپ کتاب‌هایش داشت. کمتر نویسنده‌ای است که به چاپخانه‌ها مراجعه کند و از نزدیک شاهد چاپ کتابش باشد و این مسئله دقت علمی وی را به تصویر می‌کشد.

دکتر یاحقی در بخش دیگری از سخنرانی خود افزود: یوسفی خدمات علمی و فرهنگی بسیاری به ادبیات ایران کرد. وی بنیان‌گذار رشته ادبیات فارسی در دانشکده فردوسی مشهد بود و مؤسس دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در این دانشگاه، بعد از دانشگاه تهران، به شمار می‌رفت. تولیدات فراوانی در سایه خدمات یوسفی صورت گرفته است و ما بیشتر بر تصحیحات وی تأکید داشته‌ایم و کوشش کرده‌ایم شیوه کار یوسفی را نشان دهیم تا الگو و دغدغه‌ای برای دیگر پژوهشگران و محققان باشد.

در ادامه دکتر علی‌اشرف صادقی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در سخنانی اظهار داشت: از دکتر یاحقی سپاسگزاری می‌کنم که کتاب ارزشمندی را گردآوری و از هر نظر حق استاد را ادا کرد. فهرست نقدها و مقالات درباره آثار یوسفی بسیار مهم است. به‌زحمت می‌شود تمام آثار استادان را در یک جا گردآوری کرد و تصحیحاتشان را به تصویر کشید. این کتاب می‌تواند راهگشای کار پژوهشگران ادبیات باشد.

دکتر صادقی در ادامه به ضرورت نقد آثار بزرگان اشاره کرد و گفت: باید همواره آثار بزرگان ما نقد شوند. علم زمانی پیشرفت می‌کند که شاگردان و استادان، آثار بزرگان را زیر ذره‌بین بگذارند و مطالبی را به کتاب‌های آنان اضافه کنند. اگر قرار بود فلسفه در حد ارسطو باقی بماند، دیگر ما فلسفه‌ای به این گستردگی نداشتیم؛ این شاگردان ارسطو بودند که مطالب مهمی را به فلسفه او افزودند.

وی همچنین در ادامه سخنان خود در باب شیوه کار مرحوم یوسفی اضافه کرد: این نکته برای محققان و پژوهشگران مهم است که یوسفی بسیار امین بود و شیوه‌ای علمی را در کارش پی می‌گرفت. بیشتر تصحیحات را مشاهده می‌کرد و با ذکر تمام نسخه‌بدل‌ها، کتاب را عرضه می‌کرد. وقتی برای کتاب‌ها تعلیقاتی می‌نوشت و تا جایی که در توان داشت منبع در اختیار خواننده قرار می‌داد.

همه فضا می‌دانند که نوشتن تعلیقات امری پایان‌ناپذیر است و می‌توان یادداشت‌های جدیدی به متن تصحیح‌شده افزود. این مسئله امری است مداوم و پایدار. زنده‌یاد یوسفی شرح غزلیات سعدی را آماده چاپ کرده بود که با مرگ نابهنگام وی این کار ارزشمند ناتمام ماند.



بنیادها در حیطه علم و فرهنگ افزود: در مسائل علمی و حیطه علم و فرهنگ هیچ چیزی نیست؛ حتی خرافه‌ها هم ریشه در زندگی و اندیشه مردم دارند و می‌توانند یک بذر باشند که مطالعه آن‌ها می‌تواند نظریه‌ساز باشد. مگر می‌شود افلاطون را قیر نامید و به مطالعه آن نپرداخت؟ آثار افلاطون نیز هیچ‌گاه قیر محسوب نمی‌شود. مشکل ما این است که ما ریشه‌ها و بنیادها را نمی‌شناسیم.

متون معتبری مثل تاریخ بیهقی، مرزبان‌نامه و چهار مقاله، تقریباً یا هیچ استفاده‌ای از سخنان امام علی (ع) نکرده‌اند یا اینکه استفاده آن‌ها بسیار نادر بوده است.

وی ادامه داد: شاید یک دلیل آن این باشد که نهج البلاغه در اوایل قرن پنجم جمع‌آوری شده و به خراسان منتقل شده است و اغلب مؤلفان فارسی‌نویس، یا کتاب را در اختیار نداشته‌اند و یا التفتانی به آن نکرده‌اند.

دکتر عابدی در ادامه اضافه کرد: حتی جست‌وجوها نشان می‌دهد مفسر بزرگی چون شیخ ابوالفتح رازی، در تفسیر خود، از نهج البلاغه استفاده نکرده و بخش‌هایی را که از خطبه‌های حضرت علی (ع) در تفسیر خود آورده است با آنچه در نهج البلاغه آمده متفاوت است.

وی عنوان کرد: اولین متن فارسی که اسم نهج البلاغه را در آن می‌بینیم کتاب آثار الورد است که در اوایل قرن ششم نوشته شده و مؤلف آن در شیراز زندگی می‌کرده است. وی همچنین در پایان، با اشاره به عدم توجه مؤلفان فارسی به جنبه سیاسی سخنان امیرالمؤمنین (ع) خاطر نشان کرد: نهج البلاغه، از جنبه سیاسی، بسیار قابل ملاحظه است، اما در متون فارسی به این نکات اشاره‌ای نشده است و بیشتر به مباحث اخلاقی، زهدیاتی و عبارات خاص عرفانی سخنان امام توجه کرده‌اند.



انگلیسی و ترکی استانبولی نیز ترجمه شده بود. خرمة نخستین بار در سال ۱۳۷۲ منتشر شد و در سال ۱۳۸۳ به چاپ ششم رسید. نسخه سینمایی این اثر داستانی نیز در سال ۱۳۷۰ به کارگردانی ابراهیم فروزش، توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهیه و تولید شد.